

پایگاههای نظامی امپریالیزم امریکا در جهان و آرزوی رئیس دولت نشاندۀ امریکا در افغانستان (کرزی)

بخش 1

آنچه در متن مقاله هست

1 ■■■■■■

- ۱- در آمدی بر موضوع .
- ۲- بحث تاریخی سرمقاله مانتهی ریویو .
- ۳- نگاهی به کاهش و افزایش پایگاههای نظامی امریکا.
- ۴- حفظ دائمی پایگاه نظامی .
- ۵- هدف اقتصادی پایگاه نظامی .
- ۶- ماهیت مداخله گرانه پایگاه های نظامی.
- ۷- اهمیت استراتژیک پایگاه از دید دکترین نظامی امریکا.
- ۸- سربازان پایگاه ومسئله جنایات .
- ۹- تعریف پایگاه نظامی .

2 ■■■■■■

- ۱۰- مقوله پایگاه نظامی، یا انعکاس مالکیت خصوصی .
- ۱۱- انکشاف پایگاه نظامی امریکا بعد از جنگ سرد و آرزوی " رئیس دولت دست نشاندۀ امریکا در افغانستان " (کرزی).
- ۱۲- تیوریسین های نظامی امریکا و گستره نفوذ پایگاه نظامی.
- ۱۳- پایگاه نظامی، نگهداری زندانیان و پرواز های جاسوسی سیا .
- ۱۴- نگاهی گذرا به پایگاه نظامی بگرام .
- ۱۵- یکی از وظایف اصلی پایگاه، جذب افراد بومی به خاطر کسب اطلاعات و کار استخباراتی بر ضد کشورشان می باشد .

3 ■■■■■■

- ۱۶- راز هول انگیز جنایت پنهان ساخته شده امپریالیزم روس در پایگاه نظامی بالاحصار کابل .
- ۱۷- استقرار دائمی پایگاه نظامی نیاز قبلی به پایگاه فرهنگی دارد .
- ۱۸- صدور فرهنگیان ، به آرزوی تسخیر نامرئی برخی از کشور ها .
- ۱۹- پایگاه نظامی مخفی و نقش سرکوبگر آن .



یاد آوری لازم:

از آنجایی که یکی از اهداف اساسی امپریالیزم غارتگر و جنایتکار امریکا برای تجاوز به افغانستان اعمار پایگاه های نظامی در مناطق استراتژیک این سرزمین و در گام نخست حفظ و حراست آن برای همیشه در کشور ما می باشد؛ این نگاشته **۶ سال و سه ماه پیش**، یعنی در **(اکتوبر سال ۲۰۰۵)** توسط این قلم تحریر شده است. اینک، بنا بر تقاضای مکرر خوانندگان پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " مقاله مذکور در سه بخش - به آن پورتال ارسال گردید. **کبیر توخی** (مقاله " پایگاه نظامی ... " قبلاً در نشریه شهروند و در سایت های " افغان - جرمن آنلاین "؛ " پیام آزادی "؛ " بابا " و ... منتشر شده است).

(تاریخ نگارش مقاله - اکتوبر ۲۰۰۵)

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۱۹ جنوری ۲۰۱۲)

۱- در آمدی بر موضوع:

چندی پیش رسانه های خبری اعلام کردند که سناتور مکین امریکایی در رأس یک هیأت از سناتوران امریکایی که خانم کلینتون نیز شامل آن بود به افغانستان سفر نمودند. در ملاقات بین گروه امریکایی و رئیس دولت پوشالی (کززی)، سناتور نامبرده نقش دراماتیک خود را به شکل شایسته ای ایفا نموده، حین اجرای آن از میز بانس خواست که حضور دایمی نیرو های امریکایی را (در شمایل پایگاههای نظامی) بپذیرد. جاوید لودین سخنگوی کززی - که افتخار شنیدن " خواست " سناتور نامدار امریکایی را از نزدیک داشت - از آن با شادمانی استقبال کرد.

باشنیدن این خبر، که مقدمات آن از سالیان متمادی بدینطرف توسط سازمان سیا، شرکا و داره (دهاره) های وابسته جهادی و طالبی آن تدارک دیده شده بود، احساسم مرا واداشت تا در مورد پایگاههای نظامی امپریالیزم امریکا، اگر بتوانم چیزی بنویسم. ذهنم، در این مورد به کاوش پرداخت. سر انجام برشهای چاپی مطلب بس ارزشمند و مهمی در زمینه شناخت بهتر از پایگاههای نظامی امپریالیزم امریکا را در برابرم گذاشت.

به برشهای دست داشته ام مراجعه نموده، سر مقاله پر محتوا و بلند مجله معروف مانتلی ریویو تحت عنوان (پایگاههای نظامی ایالات متحده و امپراتوری) شماره ماه مارچ ۲۰۰۲ را که اندیشمند گرامی داکتر مرتضی محیط به فارسی ترجمه کرده و آنرا در نشریه وزین و قاره ای "شهروند" به دست نشر سپرده بود، انتخاب و باز خوانی نمودم.

ازدید ناتوان این قلم سر مقاله بلند و موثق مانتلی ریویو در جابجایی و صنف بندی، یکی دو موضوع مشخص، دچار اشکال شده، متن یک عنوان در زیر عنوان دیگر تذکار یافته است. برای سهولت بیشتر، این قلم (با حفظ امانت داری وبدون اندک تصرف) مطابق هر متن که در بین گیمه آمده، عنوان انتخابی را در بالای آن متن که از سر مقاله مانتلی ریویو به نقل گرفته شده؛ قرار داده است. اینک در زیر آنرا با هم یکجا مطالعه می نمایم:

۲- بحث تاریخی سرمقاله ماننلی ریویو:

«... "آرنولد توین بی" مورخ معروف در اثر خود تحت عنوان "امریکا و انقلاب جهانی" (۱۹۶۲) مینویسد:

"روش اصلی امپراتوری روم برای تحکیم سلطه سیاسی اش عبارت بود از کشیدن همسایگان ضعیفتر زیر حمایت خود و پشتیبانی از آنها در برابر همسایگان قدرتمند شان. رابطه دولت روم با دست پروردگانش از طریق بستن قرار داد بود. این دولت ها از نظر حقوقی موقعیت قبلی خود را به عنوان کشور های مستقل حفظ میکردند. حد اکثر چیزی که دولت روم از جهت ارضی از آنها میخواست عبارت از گرفتن تکه کوچکی زمین اینجا و آنجا برای استقرار یک قلعه رومی برای حفظ امنیت مشترک متحدین دولت روم و خود این دولت بود."

دست کم این شیوه ای بود که امپراتوری روم کارش را با آن آغاز کرد. با گذشت زمان اما "سرزمین های وسیعی که روزی متحدین روم بودند و در ابتدا امنیت آنها با این سیستم استقرار پایگاههای نظامی تامین شده بود" به همان اندازه بخشی از امپراتوری روم شدند که سر زمین های کم وسعت تر دشمنان سابق روم، سرزمین هایی که توسط این دولت، آشکارا و حساب شده تصرف گردیدند، بخشی از روم شدند (صفحات ۱۰۶-۱۰۵).

«بریتانیا در اوج شکوفاییش به عنوان قدرت سرمایه داری مسلط در قرن ۱۹، بر یک امپراتوری عظیم استعماری حکومت میکرد که تسلط او بر آن از طریق یک سیستم جهانی از پایگاههای نظامی تضمین میگردد... این پایگاههای نظامی، در اوج قدرت بریتانیا، در بیش از ۳۵ کشور مستعمره مختلف مستقر بود... امپراتوری انگلیس اما، بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی به سرعت از هم پاشید و این دولت ناچار به ترک بسیاری از پایگاهها گردید.»

۳- نگاهی به کاهش و افزایش پایگاههای نظامی امریکا:

و حال، به نقل از احصائیه یعنی آماری که به طور دقیق؛ اما متشتت و پراکنده در متن مقاله ماننلی ریویو آمده، در زیر توجه می کنیم:

«با جاگزین شدن ایالات متحده به جای انگلیس به عنوان قدرت مسلط اقتصادی جهان سرمایه داری، افول امپراتوری انگلیس، با صعود امپراتوری دیگری همزمان گردید. ایالات متحده جنگ دوم را در وضعی پشت سر گذاشت که دارای گسترده ترین شبکه پایگاههای نظامی بود که تا آن موقع جهان به خود دیده بود. به قول جمیز بیکر مشاور عالی ستاد ارتش امریکا، این شبکه پایگاههای نظامی در پایان جنگ جهانی دوم، متشکل از سی هزار تاسیسات مستقر در دو هزار منطقه پایگاهی در صد کشور و ناحیه بود و دامنه آن از قطب شمال تا جنوب گسترده میشد. پایگاه نظامی امریکا در تمام قاره ها و جزایر میان قطب شمال و جنوب استقرار یافته بود. آقای بیکر ادامه میدهد: "از انحصار اتمی امریکا که بگذریم هیچ نماد از نظر جهانی شناخته شده ی دیگری برای نشان دادن مقام ابر قدرتی جز شبکه پایگاه نظامی خارجی اش وجود نداشت."»

سرمقاله ماننلی ریویو همچنان در مورد افت و خیز گرافیک پایگاههای نظامی امریکا تذکراتی داده که در ذیل توجه تانرا به آن جلب مینمایم:

«... گرایش غالب بعد از پایان جنگ دوم تا جنگ کره (کوریا) عبارت از کاهش شمار پایگاههای ماوراء بحار امریکا بود... ولی این کاهش پایگاهها در سالهای بعد از جنگ، با شروع جنگ کره پایان یافت. حین جنگ کره شمار

این پایگاهها بار دیگر رو به افزایش گذاشت و حین جنگ ویتنام این روند شتاب بیشتری به خود گرفت. تنها پس از جنگ ویتنام بود که شمار پایگاههای نظامی امریکا دوباره رو به کاهش رفت ...»

« به دنبال حمله تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی و آغاز جنگ "علیه تروریسم" شمار پایگاههای نظامی امریکا و گسترش آنها به سرعت رو به افزایش گذاشت. طبق گزارش وزارت دفاع امریکا، در سال ۲۰۰۱، دولت امریکا در حال حاضر در ۳۸ کشور و منطقه پراکنده خارجی دارای پایگاههای نظامی است. اگر پایگاههای نظامی امریکا در مناطق زیر تصرف امریکا و خارج از خاک قاره ای آن به شمار افزوده شود، شمار کشورها و مناطق ماوراء بحار که پایگاههای امریکا در آن مستقر هستند به ۵۴ می رسد. این شمار، هم بسیار محافظه کارانه است چراکه پایگاههای مقدم استراتژیک و حتی بعضی آنها را که دولت امریکا شمار قابل توجهی نظامی در آن مستقر کرده است، مانند عربستان سعودی، کوزوو و بوسنی را در بر نمی گیرد. این شمار شامل برخی از پایگاههایی که امریکا اخیراً بدست آورده است نیز نمی شود. دولت امریکا از طریق " طرح کولمبیا " _ که هدفش در اساس مبارزه علیه نیرو های چریکی در کولمبیا اما در عین حال علیه دولت کمتر سرسپرده ونزوئلا و جنبش توده ای بزرگ ضد نیو لیبرالی در اکوادور نیز است _ در حال گسترش حضور نظامی و پایگاههای خود در امریکای لاتین و منطقه کارائیب است. پورتوریکو جای پانامه را به عنوان مرکز فعالیت های نظامی گرفته است. به طور همزمان، دولت امریکا مشغول برقراری چهار پایگاه نظامی جدید در مانتا، واقع در کشور اکوادور، اروپا، کوراسائو و کامالاپا در السالوادور بوده است. همه این پایگاهها مواضع خط مقدم توصیف شده اند. از ۱۱ سپتامبر به بعد، ایالات متحده پایگاههای نظامی جهت استقرار شصت هزار نیرو های نظامی در افغانستان، پاکستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجکستان به همراهی پایگاههای موجود در کویت، قطر، ترکیه و بلغارستان بر پا ساخته است. پایگاه عمده امریکا در دیگوگارسیا واقع در دریای هند برای این عملیات اخیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با احتساب همه اینها، دولت امریکا اکنون در بیش از ۶۰ کشور و منطقه پراکنده خارجی در سراسر جهان دارای پایگاه نظامی است.»

در پایان جمله اخیر، سرمقاله مانتهی ریویو، خواننده اشرا به دیدن جدول شماره یک (که احصائیه پایگاههای نظامی خارجی ماوراء بحار امریکا بر حسب منطقه میان سالها ی ۸۸ - ۱۹۴۷ که متن سرمقاله به نمایش گذاشته شده) دعوت میکند؛ همچنان در پایان زیر نویس شماره ۴، نگارنده سرمقاله، ابراز نظر کرده که:

« گسترش جغرافیایی پایگاههای امریکا از پایان جنگ کره (کوریا) به این سو (و شاید از جنگ ویتنام به این

سو) نه تنها کاهش نیافته بلکه اکنون وارد یک مرحله گسترش مجدد گردیده است.

این شمار نیز از جهاتی ممکن است به طور فریبنده ای پایین باشد. تمام موضوعات حقوقی و مسئله حاکمیت، در مورد وجود پایگاهها در کشور های میزبان در آنچه **قرارداد وضع نیروها** خوانده می شود بیان گردیده است. در زمان جنگ سرد، این قرار دادها معمولاً جزو اسناد علنی بود. اما اکنون این قرار دادها جزو اسناد طبقه بندی شده و مخفی به حساب می آیند - به طور مثال قرارداد با کویت، امارت متحده عربی، و از جهاتی قرار داد با عربستان. طبق اسناد پنتاگون دولت امریکا اکنون قرار داد های رسمی از این نوع با نود و سه کشور مختلف جهان دارد. (لوس انجلس تایمز - ۶ ژانویه ۲۰۰۲)

امپریالیسم از خلاء قدرت نفرت دارد. بجز پایگاههای نظامی جدید امریکا در شبه جزیره بالکان و جمهوریهای آسیای مرکزی، جاهایی که یا قبلاً در حوزه نفوذ و یا بخشی از آنکشور بودند، پایگاههای مقدمی که امریکا اکنون بدست می آورد در مناطقی هستند که ایالات متحده در آنجاها قبلاً دست به کاهش چشمگیر شمار پایگاههای خود زده بود. در سال 1991، قبل از جنگ خلیج، دولت امریکا هیچ پایگاهی در جنوب آسیا نداشت و فقط ده در صد از پایگاههایی که در سال ۱۹۴۷ در منطقه خاور میانه و افریقا داشت بر جای مانده بود. شمار پایگاههای امریکا در امریکای لاتین و

منطقه کارائیب، میان سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۹۰ دو سوم کاهش یافته بود. این مسئله از نقطه نظر ژئوپولیتیک و جغرافیای نظامی برای قدرت اقتصادی - نظامی مسلط بر جهان چون ایالات متحده، حتی در عصر موشک های دور پرواز میتواند مسئله ساز باشد. بنا برین استقرار پایگاههای نظامی جدید در خاور میانه، آسیای جنوبی، امریکای لاتین و منطقه کارائیب از سال ۱۹۹۰ بعد به دنبال جنگ خلیج، جنگ افغانستان و " طرح کلمبیا " را باید به مثابه اعمال مجدد قدرت نظامی امپریالیستی مستقیم دولت امریکا در مناطقی دید که این قدرت تا حدودی کاهش یافته بود. »

۴- حفظ دایمی پایگاه نظامی:

سرمقله مانندی ریویو در این باب نیز تماسهای گرفته که فشرده آنرا در ذیل مطالعه می نمائیم:

« پایگاههای نظامی در طول تاریخ اغلب از طریق جنگ تصاحب میشوند. به طور مثال پایگاه دریایی امریکا در گوانتانامو واقع در جزیره کوبا به دنبال جنگ امریکا علیه هسپانیایی ها تصاحب گردید. این پایگاه گرچه از نظر رسمی در اجاره امریکاست، اما مدت اجاره آن نامحدود است. طبق قرار داد، اختیارات امریکا بر این پایگاه، تا زمانی که اجاره ناچیز آن پرداخت شود، فقط با رضایت طرفین پایان خواهد یافت. این قرار داد " حق " امریکا در استفاده از این پایگاه را دایمی میسازد. صرف نظر از اینکه نظر دولت کوبا و مردم آن چه باشد، بعد از انقلاب کوبا، چک هایی که از سوی ایالات متحده بابت اجاره پایگاه فرستاده می شود، تنها یکبار نقد شده (نخستین چک بعد از انقلاب). تمام چک های بعدی در راستای خواست کوبا مبنی بر اینکه این پایگاه باید بر چیده شود، توسط آن دولت نگهداری میشود بی آنکه نقد شود.

بسیاری از پایگاههای کنونی امریکا در جنگهای بعدی این کشور تصرف شده اند. جنگ دوم جهانی، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ خلیج و جنگ افغانستان. پایگاههای نظامی امریکا در آکیناوا _ جزیره ای که رسماً بخشی از ژاپن (جاپان) است _ بازمانده اشغال ژاپن توسط امریکا در جنگ دوم جهانی است.

ایالات متحده مانند تمام امپراتوریها هنگامی که پایگاهی را تصاحب کرد، بسیار اکراه دارد آنرا رها کند. پایگاههایی که در یک جنگ تصاحب میشوند، به عنوان مواضع مقدم برای صف آرای جنگ بعدی، و اغلب برای درگیری با دشمن کاملاً جدیدی در نظر گرفته میشود. طبق گزارش ۲۱ دسامبر ۱۹۷۰ از سوی کمیته فرعی، **قرار داد ها و تعهدات امنیتی خارجی** وابسته به کمیته روابط خارجی سنای امریکا، " هنگامی که یک پایگاه ماوراء بحار امریکایی استقرار یافت، سر نوشت مستقل برای خود پیدا میکند. ممکن است ماموریت اولیه پایگاه تاریخش به سر آمده باشد، ولی ماموریت تازه ای برای آن به وجود می آید، نه تنها برای حفظ و ادامه فعالیت آن تاسیسات بلکه اغلب برای گسترش آن. در وزارت خانه های دولتی که از نزدیک با این امر سرو کار دارند _ وزارت دفاع و خارجه _ ما کمتر شاهد ابتکار عمل چندانی برای کاهش این پایگاه هستیم " (صفحه ۲۰-۱۹)

در سالهای دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دولت امریکا دکترین ویژه ای به نام " استراتژی امتناع " اعلام داشت که بنا بر استدلال آن هیچ پایگاهی را که به طور بالقوه امکان داشته باشد بعداً شوروی بدست آورد، نباید ترک کرد. توجیه داشتن اکثریت پایگاهها در آن زمان " محاصره " و " سد " نفوذ کمونیسم بود با این وجود با فروپاشی شوروی به بهانه اینکه این پایگاهها جهت قدرت نمایی و محافظت از منافع ایالات متحده در خارج لازم اند، دولت امریکا مصمم به حفظ آن شد « .

۵- هدف اقتصادی پایگاه نظامی:

« اعزام هزاران تن سر باز امریکایی به شرق میانه (جنگ خلیج) ناقوس گوش خراش " نظم نوین جهانی " را به صدا در آورد. نظریه ای که مرامش سیطره بی چون و چرای امپریالیزم امریکا یعنی قدرت مافوق بزرگ نظامی اش بر جهان بود. بدین سان پایگاههای جدید نظامی امریکا در شرق میانه بخصوص در عربستان سعودی _ سر زمینی که هزاران سر باز امریکایی اکنون بیش از یک دهه است که در آن مستقر شده اند _ بر پا شد. اغلب رسانه های خبری امریکا در جنگ کنونی علیه افغانستان در مورد بهره برداری از منابع نفتی توسط انحصارات غول پیکر امریکایی در منطقه در مجموع سکوت اختیار کرده است. از تاریخ تجاوز به افغانستان تا کنون برخی از رسانه ها مقالاتی در زمینه اهداف اقتصادی امریکا مطالبی بیان داشته اند منجمله نیویارک تایمز (۱۵ دسامبر ۲۰۰۱) نوشت:

" وزارت خارجه امریکا در حال ارزیابی پروژه های انرژی در منطقه پس از بر افتادن طالبان است. منطقه ای که ۶ در صد کل ذخایر نفتی و تقریباً سی در صد ذخایر گازی جهان را در بر میگیرد " ، همچنان ریچارد باتلر عضو " شورای روابط خارجی " در صفحه سرمقاله نیویارک تایمز ۱۸ جون ۲۰۰۲ اذعان داشت که:

" جنگ افغانستان... ساختن یک خط لوله از طریق افغانستان و پاکستان برای نخستین بار از زمانی که شرکت یونی کال و شرکت آرژنتینی بریداس در حال رقابت برای امتیاز کشیدن آن در سالهای دهه ۱۹۹۰ بودند از نظر سیاسی امکان پذیر ساخته است " و بدون حضور نظامی امریکا در منطقه از طریق احداث و برپایی پایگاههای نظامی در منطقه و افغانستان بطور اخص بهره برداری از خط پایپلاین مطمئناً امکان پذیر نبود « . (به همین منظور مزدورانی ، چون خلیل زاد ها ، کرزی ها ، رهین ها ، اسپینتاها و امثال شان تربیه شدند - ک.توخی)

۶- ماهیت مداخله گرانه پایگاه های نظامی:

« ایالات متحده در کوشش برای حفظ یک نظام اقتصادی امپریالیستی _ بدون کنترل سیاسی رسمی بر حاکمیت ارضی دولتها _ این پایگاهها را برای اعمال فشار علیه آن کشور ها به کار برده است که در صدد بوده اند یا خود را به طور کامل از این چنبره امپریالیستی جدا کنند و یا تلاش کرده اند مسیر مستقل برای سرنوشت اقتصادی اجتماعی خود در پیش گیرند؛ مسیری که امریکا آنرا تهدیدی برای منافع خود تلقی میکند. بدون استقرار نیرو های نظامی امریکا در این پایگاهها در سراسر جهان و بدون آمادگی دولت امریکا در استفاده از این نیرو ها برای دخالت نظامی در کشور هایی که در صدد حفظ استقلال خود هستند، نگه داشتن بسیاری از کشور های پیرامونی و از نظر اقتصادی وابسته در چنبره امپریالیستی ناممکن خواهد بود.

بنابر این حفظ قدرت سیاسی، اقتصادی و مالی ایالات متحده نیاز به کاربرد متناوب قدرت نظامی این کشور دارد. دیگر کشور های پیشرفته سرمایه داری وابسته به این نظام نیز به ایالات متحده به عنوان تحمیل کننده عمده قواعد بازی متکی گردیده اند. از اینرو استقرار پایگاههای نظامی امریکا را نباید صرفاً به عنوان یک پدیده نظامی، بلکه باید به صورت بازنمایی گسترده قلمرو وسلطه امپریالیستی ایالات متحده و به عنوان پایگاه مقدم حمله آن در مناطق پیرامونی دید. «

به گزارش سال ۱۹۷۰ کمیته فرعی قرار داد ها و تعهدات امنیت خارجی کمیته روابط خارجی سنای امریکا در ذیل توجه کنیم :

« وجود پایگاههای نظامی و نیروی های مسلح ایالات متحده در کشور های ماوراء بحار، برنامه ریزی و تمرین های نظامی مشترک و یا برنامه های کمک نظامی بیش از حد ... همه و همه به ناچار مستلزم دخالت ایالات متحده در امور داخلی دولتهای مهمان میگردد. » (صفحه ۲۰)

« آنچه اکنون آشکار است و ارزش دارد تکرار شود این است که چنین پایگاههای دارند در مناطقی مستقر میشوند که امریکا در آنجا حضور مقدم خود را از دست داده بود، مانند آسیای جنوبی، خاور میانه و افریقا، امریکای لاتین و منطقه کارائیب و یا مناطقی که پایگاههای امریکا قبلاً وجود نداشتند مانند بالکان و آسیای مرکزی. بنابراین تردید نمی توان داشت که آخرین ابر قدرت باقیمانده در حال حاضر در مسیر گسترش امپریالیستی خود، به عنوان وسیله ی پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی خود، افتاده و جنگ فعلی علیه تروریزم که به دلایلی فراوانی دست پخت و نتیجه غیر مستقیم قدرت نمایی ایالات متحده است، اکنون برای وسیله ای به عنوان توجیه قدرت نمایی بیشتر به کار میرود. برای تمام کسانی که راه مقابله و مقاومت در برابر این تحولات را برگزیده اند، از این جهت هیچ تردیدی نباید وجود داشته باشد. گسترش جهانی قدرت نظامی از سوی دولت سیطره جوی جهان سرمایه داری بخش جدایی ناپذیری از جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) اقتصادی است. نه گفتن به این شکل توسعه نظامی، به طور همزمان، نه گفتن به جهانی شدن سرمایه داری و امپریالیزم و در نتیجه نه گفتن به خود سرمایه داریست.»

سرمقاله " برای تمام کسانی که راه مقابله و مقاومت در برابر این تحولات را برگزیده اند " یعنی در تقابل با سلطه امپریالیزم امریکا که در گام نخست همانا برچیدن پایگاههای نظامی ایالات متحده از کشور های شان میباشد، کدام الگوی خاصی مبارزه را پیشنهاد نمی کند. اصل نابودی سرمایه برایش مطرح است.

۷- اهمیت استراتژیک پایگاه از دید دکترین نظامی امریکا:

« دکترین نظامی بر این مسئله تاکید دارد که اهمیت استراتژیک یک پایگاه خارجی فراتر از جنگی می رود که آن پایگاه به خاطرش تصاحب شده است و برنامه ریزی ماموریت های احتمالی دیگر با استفاده از این پایگاههای جدید بلافاصله آغاز گردد. به این دلیل است که استقرار پایگاههای نظامی در افغانستان، پاکستان و سه جمهوری سابق شوروی در آسیای مرکزی، ناچار توسط روسیه و چین به عنوان تهدید جدی برای امنیت آنها تلقی میگردد. روسیه قبلاً مراتب ناخشنودی خود را از وجود پایگاههای دائمی امریکا در آسیای مرکزی ابراز داشته است. اما در مورد چین، طبق گزارش ۱۰ ژانویه ۲۰۰۲ روزنامه گاردین (لندن)، پایگاه ماناس در قرقیزستان، جای که هواپیما های امریکا اکنون روزانه به زمین می نشینند تنها ۲۵۰ مایل از مرز غربی چین فاصله دارد. با وجود پایگاههای نظامی امریکا در ژاپن، مستقر در شرق چین، در کره جنوبی، واقع در جنوب چین و حمایت امریکا از تایوان، چین احساس میکند که از هر طرف محاصره شده است.»

سرمقاله در رابطه با اعتراضات اجتماعی بزرگی کشور هایی که قربانی سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیزم امریکا شده اند می پردازد:

« پایگاههای نظامی خارجی امریکا مکرراً موجب اعتراضات اجتماعی بزرگی در کشور های قربانی این سیاست ها میگردد. پیش از آنکه امریکا پایگاههای خود رادر سال ۱۹۹۲ در فیلیپین بر چیند وجود این پایگاهها در آن کشور به عنوان میراث استعماری امریکا تلقی میشد. این پایگاهها تقریباً مثل هر پایگاه دیگر امریکایی در خارج، مشکلات اجتماعی

متعددی را به بار آورده است. به طور مثال شهر النگاپو در نزدیکی پایگاه خلیج سوبیک دربست در خدمت " استراحت و تفریح " سربازان امریکایی بود و به همین دلیل **بیش از ۵۰ هزار تن فروش** در آن جا مشغول کار بودند. پایگاه های امریکا در اکیناوا که به دنبال از دست رفتن پایگاههای فیلیپین به مرکز فعالیت شبکه پایگاههای نظامی امریکا در اوقیانوس آرام مبدل شد، در تعارض کامل با خواست این جزیره قرار دارد. بنابر گزارش جالمرز جانسون مسئول بنیاد پژوهشهای سیاسی ژاپن، در کتابش زیر عنوان " واکنش متقابل " (۲۰۰۰) جزیره اکیناوا به عنوان منطقه زیر حاکمیت ژاپن " **در واقع یک مستعمره نظامی پنتاگون و خانه امن اعظمی است که کلاه سبز و سازمان اطلاعات ارتش امریکا، بعلاوه نیروی دریایی و تفنگداران دریایی امریکا در آنجا می توانند دست به کار های زنند که در خود امریکا جرأت انجامش را ندارند.** این جزیره به عنوان پایگاهی برای نشان دادن و اعمال قدرت امریکا در سراسر آسیا و در خدمت استراتژی بزرگ ایالات متحده در تداوم یا افزایش قدرت سلطه گر امریکا در این منطقه بسیار پر اهمیت است " « (صفحه ۶۴ کتاب)

۸- سربازان پایگاه و مسئله جنایات :

« در سال ۱۹۹۵، در واکنش به **تجاوز سه سرباز امریکایی به یک دختر دوازده ساله**، که به منظور این کار ماشین (موتر) اجاره کرده بودند تا او را به نقطه دور دستی برند، و نیز در پاسخ به دیدگاه غیر انسانی دریادار ریچارد مکی، فرمانده کل نیروی امریکایی در منطقه اوقیانوس آرام که به روزنامه نگاران گفته بود: " **من فکر میکنم که تجاوز به این دختر بچه کار کاملاً احمقانه ای بود، چرا که این سربازان پول اجاره ماشین را می توانستند صرف یک دختر (بالغ) بکنند** "، تظاهرات علیه حضور پایگاه نظامی امریکا در اکیناوا در گرفت. این تظاهرات گسترده که به رهبری سازمانی بنام " زنان اکیناوا علیه خشونت نظامی " صورت گرفت فقط در واکنش به این تجاوز نبود _ علیرغم وحشیانه بودن این مورد بخصوص، طبق ارزیابی بیهون کیزی شیمبون Bihan Keizi Shimbon یکی از نشرات محافظه کار ژاپن، سربازان امریکا میان سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۵ **مرتکب ۴۷۱۶ فقره جنایت شده اند** _ تقریباً یک جنایت در هر روز، قرارداد منعقد می بین امریکا و ژاپن که ناظر بر پایگاههای نظامی امریکا در اکیناوا است به مقامات امریکا اجازه میدهد در خواست ژاپنی ها برای تعقیب مرتکبین جنایت را نپذیرد. در واقع هم شماری بسیار کوچکی از افراد به خاطر جنایات شان متحمل کوچکترین ناراحتی شده اند.

ادامه بمباران زمینی در ویکوس در پورتوریکو توسط ارتش امریکا، جایی که بمباران های بعدی امریکا از جمله در خلیج فارس ابتدا در آنجا آزمایش میشود، برغم اعتراضات توده ای بزرگ مردم، نشانه ادامه ی شرایط استعماری این جزیره است. علاوه بر بمباران های زمینی، پنتاگون، در یک حوزه عملیاتی به وسعت ۲۰۰۰۰۰ مایل مربع، تحت نام " **حدود خارجی** " در آبهای اطراف پورتوریکو مشغول فعالیت های شامل برقراری ایستگاه رد یابی کشتی های زیر دریایی و میدان جنگهای الکترونیکی است. این تاسیسات توسط نیروی دریایی و انواع پیمانکاران برای آزمایش سلاح های مختلف به کار گرفته میشود.

استفاده از پایگاه نیروی دریایی گوانتانامو در حال حاضر برای زندانی کردن و بازجویی از زندانیان جنگ امریکا در افغانستان، در تعارض با مخالفت کوبا با این جنگ و در شرایطی که رفتار با این زندانیان خشم مردم در سراسر جهان را برانگیخته است، بازهم نمونه ی دیگری از اعمال قدرت امپریالیستی و خشن امریکاست «.

۹- تعریف پایگاه نظامی :

پانویس شماره (۱) سرمقاله مانتلی ریویو در تعریف پایگاه نظامی ، به نقل از کتاب James Blacker, U.S. Overseas Basing (New York Praeger, 1990) پرداخته که این قلم بعد از درج

آن در زیر، به نقل از سرمقاله مانتلی ریویو؛ بسنده مینماید:

« پژوهش اساسی بلیکر با کمک دفتر وزارت دفاع صورت گرفت. در مورد اطلاعاتی که در این پژوهش ارائه میشود باید توجه داشت که هیچ تعریف پذیرفته شده ای مبنی بر اینکه پایگاه نظامی از چه چیز تشکیل شده، وجود ندارد. طبق تعریف بلیکر یک پایگاه نظامی عبارت است از تاسیساتی که " به طور منظم توسط نیروی مسلح مورد استفاده قرار گیرد. همه ی تاسیساتی که در شعاع ۲۵ مایلی چنین تاسیساتی قرار دارند. جزو همان منطقه پایگاهی وابسته به نزدیک ترین شهر یا شهرک محسوب میگردد. تاسیساتی که به فاصله بیشتر از ۲۵ مایل قرار دارند به عنوان پایگاه جداگانه ای محسوب میشوند. حدود تاسیسات و منطقه پایگاهی در درجه اول بر پایه اطلاعات مربوط به ارزش سرمایه ای تسهیلات موجود در آن تعیین میشود ". »

ادامه دارد